

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Thematic Analysis of Mehdi Ghadyanloo's Murals from a Sociological Approach (Reflective and Shaping);
A case study of murals at the World Economic Forum in Davos, Dewey Square in Boston, and the
Shoreditch area in London
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تحلیل مضامین نقاشی‌های دیواری مهدی قدیانیلو با رویکرد (بازتاب و شکل‌دهی) مطالعه موردی: نقاشی‌های دیواری اجلاس داووس، میدان دیووی بوستون، شوردیچ لندن*

علی اکبر امامی صاحبی^۱، محمدرضا حسینی^{۱*}

۱. گروه نقاشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲

چکیده

بیان مسئله: این پژوهش به بررسی نقاشی‌های دیواری مهدی قدیانیلو در فضاهای عمومی نظیر اجلاس داووس، میدان دیووی بوستون و منطقه شوردیچ لندن می‌پردازد. آثار وی با پرداختن به مسائل جامعه معاصر و دغدغه‌های جهانی، از عناصر نمادینی همچون: کودکان، بادکنک‌ها و روزنه‌های نور بهره می‌برد که با بیانی فراواقع‌گرایانه، مخاطب را به تأمل وادار می‌کند. سؤالات اصلی پژوهش عبارت‌اند از: مضامین نقاشی‌های دیواری قدیانیلو از کدام مضامین اجتماعی تأثیر می‌پذیرند؟ انگیزه هنرمند از به‌کارگیری عناصر نمادین و استفاده از سبک فراواقع‌گرایی چیست؟

هدف پژوهش: اهمیت ارتباط هنرمند با جامعه و تأثیرپذیری او از زندگی اجتماعی و تلاش برای تأثیرگذاری با هدف بهبود زیست شهری در آثار این هنرمند از اهداف این پژوهش است.

روش پژوهش: پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، پیمایشی و میدانی انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات نیز شامل فیش‌برداری و مصاحبه است.

نتیجه‌گیری: آثار مهدی قدیانیلو براساس دو رویکرد «بازتاب» و «شکل‌دهی»، هم بازتاب‌دهنده بحرآن‌ها و آسیب‌های اجتماعی و هم الهام‌بخش امید و تغییر هستند. او با استفاده از نمادهای بصری مانند کودک، کلاغ، بادکنک و آسمان، تصویری چندلایه از واقعیت و آرمان ارائه می‌دهد و به‌عنوان هنرمندی آگاه برای ایجاد نگرش تازه نسبت به اکنون و آینده جامعه از هنر با زبان نقاشی دیواری بهره می‌گیرد.
واژگان کلیدی: نقاشی دیواری، مهدی قدیانیلو، اجلاس داووس، دیووی بوستون، شوردیچ لندن.

مقدمه

این پژوهش به آثار نقاشی دیواری مهدی قدیانیلو در اجلاس مجمع اقتصاد جهانی داووس سوئیس با عنوان «در جستجوی امید» سال ۱۳۹۸، میدان دیووی بوستون با عنوان «فضای امید» ۱۳۹۵، شوردیچ در شرق لندن با

عنوان «ما بازی را شروع نکرده‌ایم» سال ۱۳۹۴ می‌پردازد. عناصر به‌کار برده شده و سازنده مضامین مهدی قدیانیلو مانند: جمعیت شهری، کودکان، آسمان آبی، بادکنک، روزنه‌های نور، فضا، عمق و پرسپکتیو است. هر کدام از این عناصر می‌تواند، بیان‌کننده جنبه‌ای از زندگی جامعه معاصر جهانی باشد. او هنرمندی است که تلاش می‌کند فراتر از جغرافیای یک منطقه کار کند، و کوشش می‌کند ملیت‌های مختلف را در نقاشی‌های دیواریش نمایش دهد و از نمادهای تصویری جهانی شناخته‌شده تا بومی و منطقه‌ای استفاده کند، با مخاطبانش از طریق زبان جهانی

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد «علی اکبر امامی صاحبی» با عنوان «تحلیل مضامین نقاشی دیواری مهدی قدیانیلو با رویکرد جامعه‌شناختی (نقاشی کنفرانس داووس، میدان دیووی بوستون، شوردیچ در شرق لندن)» است که به راهنمایی دکتر «محمدرضا حسینی» و مشاوره دکتر «حسان لرافشار» در سال ۱۴۰۳ در دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان به انجام رسیده است.
** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۶۲۳۶۷۱۸، m.r.hassani@arts.usb.ac.ir

پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. شناخت مضامین بیان شده در نقاشی‌های دیواری و آگاهی از روند تغییرات در محتوا و فهم ارزش‌های نوین در نقاشی‌های دیواری از اهداف این پژوهش است (حسینی نیا، ۱۳۹۲). «تأملی بر کارکردهای نقاشی دیواری تهران پس از انقلاب بارویکرد جامعه‌شناختی نظریه بازتاب»، عنوان پایان‌نامه سمنیه مطلبی است. او در پژوهش خود به تحلیل نقاشی‌های دیواری معاصر پس از انقلاب و سرمایه‌های نمادین، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن می‌پردازد، که حاکی از تحولات سیاسی و اجتماعی و کنش‌ها و میدانهای قدرت در حوزه نقاشی و میدان قدرت دولتی است (مطلبی، ۱۳۹۳).

«بررسی و شناخت رویکردهای نقاشی دیواری در شهر تهران براساس یافته‌های میدانی»، عنوان پایان‌نامه مهدی ابراهیمی لامع است. او در این پژوهش به بررسی و شناخت انواع رویکردهای موضوعی در نقاشی دیواری و ویژگی‌های هر یک از آنها پرداخته است. هدف اصلی این پژوهش معرفی انواع رویکردهای موضوعی نقاشی دیواری و ویژگی‌های هر یک از آنها بر مبنای ۵۰۰ اثر میدانی یافت‌شده در خیابان‌ها و بزرگراه‌ها پرفت‌وآمد شهر تهران در سال ۱۳۹۵ با هدف دستیابی به کیفیت بصری و ساختاری این آثار بوده است. «تحلیل ساختاری و محتوایی آثار دیوارنگاری شهر تهران و مناسبات آن با تجربه زیسته شهروندان (مطالعه موردی نقاشی دیواری‌های آرمانگراییانه شهر تهران دهه ۸۰ هجری شمسی)» عنوان پایان‌نامه سیده فاطمه جبارزاده است. هدف از این پژوهش، بررسی تعدادی از آثار دیوارنگاره‌های آرمانگراییانه و انقلابی شهر تهران، از حیث آسیب شناسی در تکنیک و موضوع و نوع ارتباطی که با مخاطب برقرار می‌کند، است (جبارزاده، ۱۳۹۷). «مطالعه زیبایی‌شناسی و معناگرایی در نقاشی دیواری سطح تهران (منطقه ۸)» عنوان پایان‌نامه فاطمه هزاویان است. معنا دار بودن اصول زیبایی‌شناسی در نقاشی دیواری‌هایی که در اماکن و میادین مورد استفاده قرار گرفته است به منظور رشد و اعتلای حس زندگی در بشر می‌تواند در این پژوهش حائز اهمیت باشد (هزاویان، ۱۴۰۰). در بررسی پیشینه تحقیق‌ها و پژوهش‌هایی که تاکنون انجام‌شده است، تحقیق و پژوهشی در مورد سه اثر آقای قدیاللو درباره «اجلاس داووس در سوئیس با عنوان در جستجوی امید» (۱۳۹۸)، «میدان دیووی بوستون با عنوان فضای امید» (۱۳۹۸) «در شوریدج شرق لندن با عنوان ما بازی را شروع نکرده‌ایم» (۱۳۹۴) با توجه رویکرد مورد نظر در این پژوهش مشاهده نشده است. از این روی این پژوهش از حیث موضوع و هدف نوآورانه و تازه است.

مبانی نظری

نقد و ارزیابی آثار هنری به دو صورت عمده انجام می‌شود، نقد درونگرا و نقد برونگرا، نقد درونگرا به جنبه‌های

که ریشه در احساس مشترک دارد، ارتباط برقرار کند. مضامین انتخاب شده توسط آقای قدیاللو از جمله تغییرات آب و هوایی، کمبود آب، آینده نامشخص برای کودکان، گرمایش زمین و شرایط زیستن و زندگی، حفظ سیاره زمین با درون‌مایه امید و آینده‌نگری است. شیوه بیانی او در ترسیم نقاشی‌هایش، آثار مکتب نقاشی بیان فراواقعی و یا سورئالیسم را تداعی می‌کند

سوالات پژوهش

مضامین نقاشی دیواری آقای قدیاللو از کدام معضلات اجتماعی تأثیر می‌پذیرند؟ هنرمند در نقاشی‌های خود به مضامین اجتماعی مانند، آینده نامشخص برای کودکان، گرمایش زمین و امید به زندگی اهمیت داده است. انگیزه‌های قدیاللو از کاربرد عناصر نمادین و استفاده از اسلوب خاص در بیان نقاشی چیست؟ هنرمند در بیان مضامین نقاشی دیواری‌های خود با ترکیب عناصر نمادین مانند کودک، بادکنک و روزنه‌های نور و روش‌های بیانی فرا واقعیت، بدنبال بازبینی در شرایط زیستن و مفهوم زندگی است.

روش پژوهش

روش انجام تحقیق در این پژوهش به صورت تحلیلی-توصیفی و موردی با توجه به دو رویکرد جامعه‌شناسانه بازتاب و شکل‌دهی است، ابزار گردآوری در آن مصاحبه و فیش برداری است. در این راستا، دو رویکرد جامعه‌شناختی «بازتاب» و «شکل‌دهی» نیز به عنوان مبنای تحلیل توجه شده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده در راستای این پژوهش به این شرح است، «بررسی موقعیت‌های اجتماعی نقاشی دیواری پس از انقلاب در ایران با رویکرد جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو» عنوان مقاله بهنام زنگی و همکاران است، او در این پژوهش به بررسی دیوارنگاری و کارکردهای متفاوت و نقش‌های اجتماعی متعدد آن در جامعه پس از انقلاب ایران و همچنین بررسی ظرفیت‌های گفتمانی و اجتماعی نقاشی دیواری امروز با جامعه با توجه به نظریه میدان پی‌یر بوردیو پرداخته است (Zangi et al., 2012). «بررسی نقاشی دیواری معاصر ایران (هنر خیابانی) با رویکرد جامعه‌شناختی» عنوان پایان‌نامه داوود خسرو در مقطع کارشناسی ارشد است. او در این پژوهش به بررسی هنرخیابانی و توانایی‌های فرهنگی و تزیینی آن بر شهر و افرادی که در شهر زندگی می‌کنند، توجه دارد (خسروی، ۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی نقاشی دیواری شهر تهران» عنوان پایان‌نامه مریم حسینی نیا است، او در پژوهش خود به بررسی نقاشی دیواری شهر تهران در ادوار

می‌شود (Alexander, 2021, 84-85). در رویکرد شکل‌دهی، چارچوب تحلیل پدیده‌ها براساس شکل‌پذیری جامعه مخاطب و تأثیرگذاری آن در ساختارهای رفتاری و اجتماعی است. می‌توان چنین پنداشت که، هنر در طیف وسیع و گسترده خود، کارکرد اثر بخشی را برای جامعه مخاطب و هدف خود داراست.

مبحث دیگر جامعه‌شناسی هنر رویکرد بازتاب نام دارد، بنا به تعریف رویکرد بازتاب، هنر به مثابه آیین‌ایست، که جامعه را بازتاب می‌دهد. هنرمند از دل جامعه بیرون می‌آید، از آن متأثر می‌شود. همچنین این نظریه بر این اصل استوار است، که موجودیت اثر هنری با ویژگی‌های یک دوره تاریخی، یک گروه اجتماعی و غیره رابطه دارد (Duvignaud, 2018, 75). بنا به تعریفی دیگر می‌توان گفت، هنرمند آنچه از جامعه خود می‌گیرد از جمله دستاورد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی جامعه به صورت آشکارا و یا نمادین به نوعی به بازتاب به آن می‌پردازند. (Turkashvand, 2010, 266).

تفاوت اصلی دو رویکرد شکل‌دهی و بازتاب را می‌توان در جوامع متفاوت بررسی کرد. در برخی جوامع که اساس آن مبتنی بر تولید انبوه و مصرف بیشتر هست به رویکرد شکل‌دهی توجه بیشتری شده است، زیرا اعتقاد بر این است که هنر به‌طور کلی می‌تواند نیازهای بیشتری را در جامعه تولید کند و به سلیقه مردم با کمک نبوغ فردی هنرمند، جهت بدهد و اقشار مختلف را بسوی اهداف عموماً سرمایه‌داری هدایت کند. خلاقیت‌های فردی هنرمند در ترویج و فرهنگ مصرف کالاهای گرانتر و اشتیاق به دستیابی به تکنولوژی‌های روز نمود پیدا می‌کند. برخلاف آن، در بطن رویکرد بازتاب، نوعی از تعهد اجتماعی صرف نظر از جنبه‌های تبلیغاتی محض مشاهده می‌شود. رویکرد بازتاب مبتنی بر نوعی اخلاق‌مداری و توجه به نیازهای پنهان و آشکار جوامع است. از این روی مضامینی مانند فقر، تبعیض جنسیتی و نژادی، بی‌عدالتی، آلودگی منابع و گرمایش زمین و آینده کودکان، صلح جهانی حائز اهمیت است.

• معرفی هنرمند و نقاشی‌های دیواری اجلاس داووس، میدان دیووی بوستون، شوردریج لندن

مهدی قدیانلو متولد سال ۱۳۶۰ است. تحصیلات وی در رشته نقاشی از دانشگاه هنر تهران مقطع کارشناسی بوده است و در رشته انیمیشن کارشناسی ارشد خود را از همین دانشگاه دریافت کرده است (تصویر ۱). او به خاطر نقاشی‌های دیواری شهری با شیوه ژرف‌نمایی^۳ جنبه‌هایی از هنر فراواقع شناخته می‌شود. در آثار نقاشی دیواری‌اش از نظر بیانی از جورجو د. کیریکو^۴، رنه ماگريت^۵ الهام گرفته است. آثار قدیانلو بر دیوارهای شهری ایران، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، اتریش، نروژ، سوئیس و روسیه ترسیم شده است. وی علاوه بر

زیباشناسانه و اصول فنی اثر توجه دارد و به عوامل محیطی و اجتماعی توجه ندارد (راودراد، ۱۳۸۶، ۶۷)، به این نقد، نقد فرم‌گرا نیز می‌گویند، این نقد به جنبه‌های حسی و عاطفی اثر توجه‌ای ندارد و در تضاد با روانشناسی و محتواگرایی است. این نقد معتقد است رویکردهای اجتماعی به هنر، سعی دارند هنر را با کل جامعه عجین کند، از این روی نقد فرم‌گرا به جنبه‌های محتوایی هنر بی‌توجه است و اصطلاح فرم را همان محتوا می‌داند (Lavin, 2007, 41). برخلاف این دیدگاه، اندیشه‌ورزی مانند هگل، هنر را آینه‌دار فرهنگ می‌داند. لفظ تاریخ و هنر که تصویری نظام‌مند از تحولات هنری در بستر تاریخ است، نخستین‌بار توسط وینکلمان در کتاب نظریات بنیادین درباره تاریخ هنر به کار برده شد (Adams, 2013, 37). بورديو در کتاب «نقد اجتماعی قضاوت» نشان می‌دهد که مفهوم زیبایی‌شناسی مبنایی طبقاتی دارد، طبقه کارگر به جنبه کاربردی و ادراکی اثر هنری توجه دارد و این موضوع با مفهوم زیبایی‌شناسی ناب که کارکرد بیرونی اثر هنری را نفی می‌کند در تضاد است. در واقع بورديو معتقد است، درک یگانه‌ای از مفهوم هنر وجود ندارد و زیبایی‌شناسی و قضاوت‌های مرتبط با آن بی‌تردید در شرایط تاریخی و اجتماعی مجال بروز یافته است (Wolff, 2015, 27-28). نقد برون‌گرا در واقع به رابطه جامعه و هنر توجه دارد. یکی از مقولات مهم در این نوع نقد که جامعه‌شناسی هنر را در بر می‌گیرد، رابطه متقابل هنر و جامعه است. این رابطه و تأثیر ممکن است از جانب هنرمند بر جامعه باشد و یا برعکس رابطه یا تأثیر جامعه بر هنرمند باشد. رویکرد نخست از منظر جامعه‌شناسان هنر، رویکرد شکل‌دهی^۱ و رویکرد دوم به هنر بازتاب^۲ نامیده می‌شود (راودراد، ۱۳۸۶، ۶۸). این دو رویکرد جامعه‌شناسانه هنر برای آثار برگزیده تاریخ هنر امتیاز اصولی قائل نیست، اما نه اهمیت آنها را و نه تفاوت‌های کیفیت هنریشان را نفی می‌کند (Heinrich, 2021, 63).

رویکرد شکل‌دهی دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از نظریه‌هاست؛ که وجه مشترک آنها این عقیده یا استعاره اصلی است که هنر بر جامعه تأثیر می‌گذارد. رویکرد شکل‌دهی، مانند رویکرد بازتاب، رابطه بین هنر و جامعه را همچون خطی مستقیم و ساده بیان می‌کند؛ اما جهت پیکان علیت (جهت تأثیر بین آثار هنری و جامعه) را به گونه‌ای وارونه می‌کند که هنر در مقام تأثیرگذار بر جامعه تلقی می‌شود، نه برعکس، از نظر آرنولد هنرهای زیبا به خاطر «ماهیت اخلاقی، اجتماعی و مفید خود» تعالی جامعه را موجب می‌شوند. در رویکرد شکل‌دهی این هنر است که مرتبه‌ای فراتر از جامعه دارد و با تحرکات و آفرینش خود جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هنرمند با مفاهیم و اشکالی که می‌آفریند با مخاطب ارتباط می‌یابد و در نتیجه این رابطه، مفاهیم شکل گرفته در مخاطب نهادینه

خیره شده باشد. دسترس پذیری بی پروای این هنر عمومی، آن را با اطمینان در جایگاهی در میان سنت هنر شهری تهران معاصر قرار می دهد، جایی که دیوارنگارها حضوری برجسته داشته اند.^۷ قدیانلو چندین نمایشگاه در سراسر جهان از جمله ایالت متحده آمریکا، روسیه، انگلیس، اتریش و نروژ برگزار کرده است. از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ او با استفاده از عناصر نمادین مانند کودکان، پله ها، بادکنک ها و ... مفاهیمی مانند امید، نگرانی، زیان و غفلت را از طریق هنر خود به تصویر کشیده است.

• نقاشی اجلاس داووس با عنوان در جستجوی امید

مجمع جهانی اقتصاد (اجلاس داووس) در سال ۱۹۷۱ تأسیس شد، جلسات این مجمع در داووس سوئیس برگزار می شود. این مجمع یک سازمان غیرانتفاعی با هدف ایجاد تعامل میان رهبران سیاسی و اقتصادی جهان و تسریع در مسیر توسعه در سطح جهان می کوشد. این اجلاس تلاش کرده است نام خود را با تحول و تغییر در آینده مترادف کند. اگر چه این مجمع تحت عنوان مجمع جهانی اقتصاد شناخته می شود، در حال حاضر مأموریت هایی در زمینه بهداشت و سلامت و منابع جهانی آب و تروریسم را دستور کار خود قرار داده است (Revill, 2025).

این نقاشی دیواری (تصویر ۲) شامل سه پانل بزرگ، مشتمل بر دو پانل جانبی در دو طرف یک پانل اصلی و مرکزی است، در فضای داخلی سالن اصلی و بالای ساختمان اجلاس جهانی اقتصاد در شهر سوئیس روی دیواری با مساحت تقریبی ۲۰۰ مترمربع ترسیم شده است. جزییات به کار برده شده در این نقاشی دیواری سوزن و نخ خیاطی بادکنک به رنگ قرمز و دختر بچه با لباسی به رنگ قرمز با بادکنکی به دست و آسمان آبی در یک محیط بسته که فقط از سمت سقف و قسمت بالای



تصویر ۱. چهره هنرمند. مأخذ: <https://avammag.com>

نقاشی های دیواری شهری، نقاشی هایی با مضامین متنوع از نظر سبک و شیوه در گالری ها و نمایشگاه های مختلف در داخل و خارج از کشور برگزار کرده است.

او بیش از ۱۰۰ نقاشی دیواری در سراسر تهران کشیده است، سوسن بابایی در مقاله ای تحت عنوان وعده سرگشتگی^۸ که در موسسه هنر کورتولد منتشر شده، درباره کارهای متقدم او می گوید: تصاویر پارک های خیالی او پر از سبزی و هوای تازه است، چیزی که در چشم انداز آلوده ای امروز تهران بسیار کمیاب است. مخاطبین با نگاه بازیگوشانه او با زمینه های معماری و شهری معاصر پایتخت درگیر می شوند. برای ساکنان تهران، این دیوارنگارهای سحرآمیز فرصتی تصادفی برای گریز و تعالی فراهم می کنند، حتی اگر فقط برای لحظه ای باشد، از روزمرگی بی ثباتی به درون فضاهای عمومی نیمه بهشتی و تعالی بخش قدیانلو وارد می شوند. تنوع دیدگاه ها در این آثار، تجربه آنها را نیز متنوع می کند؛ تجربه زیبایی شناسانه اثر به شدت بستگی به موقعیت مکانی ناظر دارد، چه فردی در حال عبور از کنار آثار در راه فروشگاه باشد یا از پنجره اتوبوسی پر ازدحام در ترافیک



تصویر ۲. مهدی قدیانلو، در جستجوی امید، ساختمان اجلاس داووس ۱۳۹۸، سوئیس، مساحت ۲۰×۱۰ متر مربع. مأخذ: <https://sinapress.ir/news>

رهایمی بخش (نور، آسمان، و بادکنک معلق) درگیر است. هنرمند از طریق این اثر، نوعی بازنمایی نمادین از چالش‌های فرد در مواجهه با ساختارهای اجتماعی ارائه می‌دهد، که یادآور نظریهٔ بازتاب در هنر است. جایی که اثر هنری، تنش‌های اجتماعی، طبقاتی و فرهنگی زمانهٔ خود را منعکس می‌کند، همچنین این تضاد نمادین میان امید و تهدید، می‌تواند در چارچوب نگاه پی‌یر بوردیو منطبق بر فضاهای نمادین اجتماعی و رابطهٔ قدرت در ساختارهای فرهنگی نیز تحلیل شود (Bourdieu, 1990, 127). بوردیو تأکید می‌کند که این فضاهای نمادین، محصول تاریخ و ساختارهای اجتماعی‌اند و درک آنها نیازمند تحلیل دقیق روابط بین ساختارهای عینی و درونی‌شده (هابیتوس)^۱ است. در این چارچوب، تضادهای نمادین مانند «امید» و «تهدید» می‌توانند به‌عنوان ابزارهایی برای درک چگونگی عملکرد قدرت در فضاهای فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند. (ibid., 128).

• نقاشی میدان دیووی بوستون با عنوان فضای امید (۱۳۹۸)

ساختمان رزکندی در منطقهٔ گرینوی بوستون آمریکا است؛ هرساله در فصل پاییز دیوار این ساختمان برای نقاشی به یک هنرمند سفارش داده می‌شود. در سال ۲۰۱۶ این دیوار در اختیار مهدی قدیانلو هنرمند جوان ایرانی قرار گرفت (تصویر ۳). او نقاشی دیواری به مساحت تقریبی ۶۵۰ متر مربع را با عنوان فضای امید روی دیوار این ساختمان بزرگ نقاشی کرد (پسندیده، ۱۳۹۴).

عناصر به‌کار رفته در این نقاشی شامل بادکنک قرمز، روزنهٔ نور، پلکان مارپیچ، دریچهٔ ورود، دیوار، آسمان، دو فضای مستطیل شکل شبیه درهای ورودی در قسمت پایین نقاشی به‌طور متقارن در دو طرف اثر، صف طولانی مردم از طبقات اجتماعی مختلف از زنان و مردان و کودکان همراه با تنوع نژادی است. ترکیب بندی نقاشی از کنار هم قرار گرفتن چهار فضای مستقل در مجاورت هم تشکیل شده است. صحنه اصلی نقاشی دیواری در سمت چپ است که وسعت فراوانی دارد، موضوع اصلی نقاشی را در خود جای داده است. قسمت فوقانی این فضا، فرم گنبد شکل دارد، هنرمند نقاش از آن که متعلق به ساختار اصلی بنا است، نهایت سود را جسته است، و پیام اثر را با استفاده این از فرم که مدخلی از آن به آسمان گشوده است، انتقال داده است. در مجاورت این فضای مستطیل شکل عمودی، فرم الحاقی به شکل حرف (L) انگلیسی معکوس ترسیم شده است. جمع فشرده‌ای در حال بالا رفتن و سپس ورود از طریق دریچهٔ تعبیه شده در دیواره فضای اصلی نقاشی می‌باشند. در بخش کناری فضای ال مانند، بخشی از دیواری سفید مشاهده می‌شود که با خط زاویه‌دار پرسپکتیوی فضای آسمان را از دیوار جدا کرده است و مساحت اندکی از آسمان

آن دارای ارتباط با آسمان است، همچنین جهت نوری از سمت چپ به راست می‌تابد. در پانل مرکزی دختر بچه‌ای با لباس قرمز و سایه‌های نارنجی با موهای بافته شده از پشت ترسیم شده است. در دستان دخترک بادکنکی به رنگ قرمز در آسمان آبی، فراتر از دیوارهای داخلی ساختمانی که بیشتر شبیه بناهای حیاط مرکزی معماری ایرانی است با درگاه‌های ورودی متعدد به رنگ کاه‌گلی نقاشی شده است. در بالا و سمت راست آسمان آبی، تودهٔ متراکمی از ابرهای پر حجم و پیچان به داخل حیاط سرک می‌کشند. در سمت چپ پانل مرکزی، بنایی کوچکتر با همان ساختار مشابه حیاط مرکزی پانل اصلی، وجود دارد. از درهای ورودی و مقابل یکدیگر این حیاط، دو نخ به شکل متقارن، سوزنی معلق در فضا را که نوک آن بطرف پایین است، به نرمی نگه داشته‌اند. در پانل سمت راست، تابلوی مرکزی همان ترکیب‌بندی مشابه در پانل سمت چپ نقاشی شده است، بجای سوزن، بادکنکی قرمز رنگ در ابعاد بزرگتر از بادکنک اصلی در دست دخترک، در فضا معلق است. این بادکنک هم مشابه سوزن پانل سمت چپ، به طناب و یا نخ متصل است. بادکنک و سوزن در دو پانل سمت راست و سمت چپ جانبی، تضاد معناداری را در این دو پانل قرینه و نسبتاً مشابه ایجاد کرده است. در فضای سمت راست پانل نقاشی شده در مقایسه با پانل مقارن سمت چپ، نور بیشتری در داخل بنا مشاهده می‌شود. با توجه به تابش مستقیم نور در فضای معماری در بنای سمت راست و حضور بادکنکی که مشابه آن در دستان دخترک است، ارتباط نزدیک‌تری با موضوع اصلی نقاشی که همان دخترک بادکنک به‌دست در فضای مرکزی نقاشی دیواری می‌توان متصور شد. برخلاف پانل سمت راست، فضای پانل مقابل آن در سمت چپ نسبتاً تاریک‌تر است. فرم تهدیدآمیز سوزن در این پانل در ابعاد بسیار بزرگ، تضاد قابل توجه‌ای با آرامش و فضای امید بخش پانل مرکزی و پانل سمت راست ایجاد کرده است. نتیجه آنکه این نقاشی دیواری با ترکیب‌بندی سه‌پانله، تقابل میان امید و تهدید، و نور و تاریکی را به شکلی استعاری و هنرمندانه به تصویر می‌کشد. حضور دخترک با بادکنک قرمز در پانل مرکزی، نمادی از معصومیت، رؤیا و رهایمی است که در میانهٔ فضایی بسته اما رو به آسمان قرار گرفته. دو پانل جانبی با تکرار عناصری مشابه اما با تغییراتی معنادار، یکی با سوزن تهدیدآمیز و تاریک و دیگری با بادکنکی روشن و نزدیک‌تر به موضوع مرکزی بر دوگانگی امید و ناامیدی، امنیت و خطر تأکید دارند. در مجموع، اثر با بهره‌گیری از عناصر نمادین و تضادهای بصری، بیننده را به تأملی در باب تعادل میان آسیب‌پذیری و امید در جهان معاصر دعوت می‌کند. و بازتابی از وضعیت روانی و اجتماعی انسان معاصر در دل ساختارهای محدودکننده است، جایی که فردیت نماد آن، (دخترک با بادکنک) در میان تهدیدهای بیرونی (سوزن بزرگ و فضای تاریک) و امیدهای



تصویر ۳. مهدی قدیانیلو، فضای امید، ۱۳۹۸، ۶۳ × ۱۰/۳ متر. مأخذ: <https://www.eligasht.com/Blog>

اجتماعی و فرهنگی او تأثیر بگذارد. تصویر افراد در حال صعود از پلکان به سوی نور، بر این باور تأکید دارد که تلاش فردی و جمعی می‌تواند شرایط اجتماعی را بهبود بخشد و مسیر جدیدی برای دستیابی به آزادی و فرصت‌ها باز کند. در این نقاشی، فضای محدود و دیوارهای محصورکننده نمادهای بصری از محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی هستند که به‌وسیلهٔ روزنه نور در گنبد به چالش کشیده می‌شوند. نوری که از روزنهٔ گنبد به درون فضای تاریک می‌تابد، نماد تغییر و رهایی است که به‌طور ضمنی نوید بهبود وضعیت اجتماعی و فردی، با گذر از محدودیت‌ها است.

نقاشی شوریدیچ در شرق لندن با عنوان ما بازی را شروع نکرده ایم (۱۳۹۴)

دیوار واقع در محلهٔ شوریدیچ در شرق لندن هرساله میزبان یک هنرمند از سراسر جهان است، نقاشی دیواری ما بازی را شروع نکرده ایم توسط مهدی قدیانیلو بر روی این دیوار در سال ۱۳۹۴ به تصویر کشیده شده است (تصویر ۴). شهرت این محله به واسطهٔ نقاشی دیواری که در سطح آن اجرا شده است. نقاشی دیواری قدیانیلو به مساحت تقریبی ۲۰۰ متر مربع روی این دیوار ترسیم شده است و به مدت شش ماه به نمایش گذاشته شده است (Butterfly Art News, 2015). در این اثر ترس و تهدید با شادی و هیجان در تضاد معناداری قرار گرفته‌اند. شادی با مرگ، امید با ناامیدی، سکون با حرکت در تحقق دوگانگی‌های فضای ذهنی وی در این اثر مشاهده می‌شود.

آبی را می‌توان مشاهده کرد. فضای اندک آسمان در تضاد با جمعیت متراکم در حال صعود و دیوار محصورکننده مجاور ایشان است.

درون فرم گنبد هنرمند نقاش، روزنه‌ای را گشوده است، نور از درون آن با لطافت به داخل فضای داخلی وسیع و نسبتاً تاریک نقاشی رسوخ کرده است. در فضای داخلی بنا در پایین گنبد، افراد و اشخاص متعددی در حال صعود از پلکان مارپیچ شکل می‌باشند، این جمعیت مسیر طولانی را برای صعود از پلکان و رسیدن به قسمت فوقانی و گنبد و روزنهٔ نور طی کرده‌اند و در بالای سر خود بادکنک قرمز را مشاهده می‌کنند. در این نقاشی دیواری، فضای بسته و محصورکننده، همراه با جمعیت در حال صعود و تلاش برای رسیدن به روزنه نور، نمادی از وضعیت اجتماعی افراد و تلاش‌های بی‌پایان آنها برای دستیابی به وضعیت‌های بهتر است. این اثر به‌ویژه با توجه به رابطه‌ای که بین فضای بسته و نور گشوده شده وجود دارد، تأکید بر این نکته دارد که جوامع با تلاش‌های جمعی به سوی آزادی و رهایی ممکن است، هرچند که این مسیر، مملو از چالش‌ها و موانع اجتماعی است. بر اساس نظریه شکل‌دهی، هنر قادر به شکل‌دهی و تأثیرگذاری بر واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی است و می‌تواند بر نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی جدید تأثیرگذار باشد آنطور که آلکساندر می‌گوید این آثار به رفتارها ارزش‌های و تحولات اجتماعی شکل می‌دهند (راوودراد، ۱۳۸۶، ۶۹). در این نقاشی دیواری، استفاده از عناصری مانند بادکنک قرمز، روزنه نور و پلکان مارپیچ، می‌تواند به‌طور فعال بر بیننده و تصورات



تصویر ۴. مهدی قدیانیلو، ۱۳۹۴، ما بازی را شروع نکرده ایم، ۱۰ × ۲۰ متر مربع، مأخذ: <https://londoncallingblog.net>

و آسیب‌پذیری‌های دوران کودکی را به شکلی هنرمندانه و انتقادی بازنمایی می‌کند.

بررسی عناصر جامعه‌شناختی در آثار نقاشی دیواری مهدی قدیانیلو (بر اساس دو رویکرد بازتاب و شکل‌دهی)

پامیلا کریمی درباره کارهای او در یک نگاه کلی در مقاله تجربه والایی در تهران رنج‌ها و لذت‌های غلبه هیجان درباره نقاشی‌های مهدی قدیانیلو می‌گوید؛ اشیای تهدیدکننده‌ای که معلق مانده‌اند و در فاصله‌ای محفوظ نگه داشته شده‌اند؛ گروهی از مردان که در آستانه یک درگاه عظیم و درخشان گرفتار آمده‌اند؛ برجی شبیه به یک قطعه لگو با پنجره‌های درخشان در شب؛ سازه‌هایی صنعتی در میانه مناظری تیره و غمگین؛ جمعیت‌هایی از مردم که در ته یک گودال هندسی در سرزمینی ظاهراً بی‌حاصل گیر افتاده‌اند؛ پلکان‌های مارپیچ که به هیچ مقصدی نمی‌رسند و ابری عظیم و تاریک که بالای گروهی از انسان‌ها معلق بر سطح وسیعی از آب شناور است. این‌ها برخی از صحنه‌های نقاشی‌های اخیر مهدی قدیانیلو هستند که به نمایش درآمده‌اند. این مجموعه که با عنوان «فضاهای امید» معرفی شده، توان آن را دارد که احساس شگفتی و تحسین مخاطب را به سرعت به ترس بدل کند (Karimi, 2017). با شناسایی عناصر موجود در آثار مهدی قدیانیلو، می‌توان این عناصر را در چارچوب دو رویکرد اصلی در پژوهش‌های هنری، یعنی رویکرد بازتاب و شکل‌دهی تحلیل و تبیین کرد (جدول ۱). عناصر به‌کاررفته

در نگاه نخست می‌توان به دو قسمت بودن نقاشی پی برد، سقف میانی که در وسط آن روزنه‌ای ترسیم شده است. این فضا را به دو قسمت افقی مساوی تقسیم کرده است. در قسمت بالای سقف میانی کلاغ‌هایی که به انتظار فرصت نشسته‌اند از درون روزنه در حال نگریستن به کودکان در حال بازی هستند. در قسمت پایین و زیر سقف میانی سه کودک در حال بازی هستند، دو دختر در مقابل یکدیگر طنابی را در دست دارند و یک کودک در حال پریدن از روی طناب، فاصله‌ای بیش از حد معمول از کف به هوا برخاسته و به سقف و روزنه‌ای که کلاغ‌ها در بالای سرش به انتظار نشسته‌اند بطور غیرمعمول نزدیک شده است. کلاغ‌ها و کودکان در حال بازی می‌تواند بخشی از الگوی تصویری باشند که پیام یکسانی را به تمام افراد با پیشینه‌های فرهنگی و زبان‌های مختلف انتقال می‌دهد. استفاده از رنگ‌های زرد و قرمز باعث توجه به قدرت بیانی رنگ‌ها به منظور هشدار است. این نقاشی دیواری، در چارچوب نظریه بازتاب، به‌مثابه بازنمایی نمادین از شرایط اجتماعی و روانی کودکان در جامعه معاصر است. تقابل میان فضای بازی و معصومیت کودکان در پایین و حضور تهدیدآمیز کلاغ‌ها در بالا، بیان‌گر حضور پنهان و مداوم خطر یا ناهنجاری‌های اجتماعی در پس‌زمینه زندگی روزمره است. سقف میانی و روزنه، به‌عنوان مرزی بین امنیت و تهدید، به شکل بصری نشان می‌دهد که چگونه آزادی و شادی کودکان همواره زیر نگاه سنگین و تهدیدگر عوامل بیرونی قرار دارد. در این چارچوب، اثر هنری نه تنها بازتاب واقعیت‌های اجتماعی است، بلکه از خلال ترکیب‌بندی هوشمندانه خود، نابرابری‌ها

الهام‌بخشی به کنش‌های اجتماعی و ایجاد افق‌های نو برای مخاطب ایفا می‌کند. عناصری چون روزنه نور، آسمان باز، صعود جمعی، و بادکنک قرمز در این دسته قرار می‌گیرند، زیرا امید، آزادی و رهایی را القا می‌کنند و بیننده را به تأمل یا کنش مثبت اجتماعی دعوت می‌کنند. در واقع، انتخاب این عناصر و شیوه بازنمایی‌شان در نقاشی‌های دیواری، به ما اجازه می‌دهد تا بفهمیم کدام اثر در کدام رویکرد معنا پیدا می‌کند. با توجه به عناصر مذکور و تعریف‌های ارائه‌شده برای هر رویکرد، نشان می‌دهد آثار قدیالو از منظر جامعه‌شناختی در پی بازتاب واقعیت اجتماعی یا شکل‌دهی آن است (جدول ۲).

در آثار این هنرمند مانند روزنه‌های نور، بادکنک، کودکان، آسمان آبی، کلاغ‌ها و جمعیت‌های فشرده در حرکت به‌سوی نور هریک بار معنایی اجتماعی مشخصی دارند که با یکی از این دو رویکرد بیشتر هم‌راستا هستند. در رویکرد بازتاب، اثر هنری همچون آینه‌ای عمل می‌کند که شرایط اجتماعی، روانی یا طبقاتی را همان‌گونه که هست بازنمایی می‌کند. در این راستا، عناصری چون کلاغ‌ها، فضای تاریک، کودکان آسیب‌پذیر، و سقف‌های بسته بیشتر به این رویکرد تعلق دارند؛ چرا که به نوعی شرایط پرخطر، تهدیدهای اجتماعی و ناهنجاری‌های معاصر را بازتاب می‌دهند. در مقابل، در رویکرد شکل‌دهی، اثر هنری نقش فعالی در تغییر نگرش‌ها،

جدول ۱. جدول تحلیل تطبیقی آثار نقاشی دیواری مهدی قدیالو از منظر دو رویکرد بازتاب و شکل‌دهی. مأخذ: نگارندگان.

عنوان اثر	رویکرد بازتاب (Reflective)	رویکرد شکل‌دهی (Constructive)	توضیح تکمیلی
در جستجوی امید (اجلاس داووس)	بسیار پررنگ بازتاب شرایط روانی انسان معاصر در مواجهه با ساختارهای بسته و تهدید آمیز	کمرنگ‌تر- تمرکز بر بازنمایی، نه تغییر مستقیم نگرش یا کنش اجتماعی	اثر به شدت بر بازنمایی معضلات اجتماعی و فردی تمرکز دارد، عنصر امید با تهدید در تضاد است.
فضای امید (میدان دیووی بوستون)	متوسط بازتاب، تلاش جمعی برای رهایی از محدودیت اجتماعی	بسیار پررنگ ترغیب به امید، پیشرفت و حرکت به سوی نور به عنوان تغییر اجتماعی	روایت روشن از رهایی و صعود اجتماعی دیدگاه آینده‌نگر و سازنده با قدرت القای تحول
ما بازی را شروع نکرده‌ایم (شوردریچ لندن)	بسیار پررنگ بازتاب آسیب‌پذیری و تهدیدهای پنهان جامعه	ضعیف بیشتر هشداردهنده و بازتاب‌دهنده تا سازنده	تضاد امنیت، تهدید شادی در فضای کودکان به شکل انتقادی و هشدار دهنده تصویر شده است.

جمع‌بندی کلی:

اثر داووس و شوردریچ بیشتر در چارچوب نظریه بازتاب قرار می‌گیرند و نقش انتقادی دارند. اثر بوستون ترکیبی از هر دو رویکرد است اما رویکرد شکل‌دهی در آن برجسته‌تر است؛ چون مخاطب را به کنش، امید و تلاش برای تغییر تشویق می‌کند. تنها اثری که رویکرد شکل‌دهی در آن کمتر مشاهده می‌شود، اثر شوردریچ است؛ چراکه بیشتر به هشدار و بازتاب وضعیت آسیب‌پذیر اشاره دارد تا خلق آینده‌ای جدید.

جدول ۲. جدول مقایسه عناصر جامعه‌شناختی در آثار مهدی قدیالو براساس دو رویکرد بازتاب و شکل‌دهی. مأخذ: نگارندگان.

نمونه اثر مرتبط	رویکرد شکل‌دهی (Constructive)	رویکرد بازتاب (Reflective)	عناصر جامعه‌شناختی
ما بازی را شروع نکرده‌ایم (شوردریچ لندن)	-	نمایش آسیب‌پذیری، تهدیدهای پنهان، بی‌پناهی و فضای پرخطر اجتماعی	کودکان
در جستجوی امید (اجلاس داووس)	-	نماد تهدید، تاریکی، حضور ناهنجاری‌ها و اختلال اجتماعی	کلاغ
در جستجوی امید (اجلاس داووس)	-	نشان‌دهنده انسداد، محدودیت، انزوا و فشارهای ساختاری	فضاهای بسته / سقف‌ها
فضای امید (میدان دیووی بوستون)	نماد پیشرفت، اتحاد اجتماعی، تلاش برای رهایی از وضعیت موجود	-	جمعیت در حرکت به سوی نور
ما بازی را شروع نکرده‌ایم (شوردریچ لندن)	نشان میل به رهایی، معصومیت، انرژی مثبت و امکان صعود	-	بادکنک قرمز
در جستجوی امید (اجلاس داووس)	نماد امید، گذر از تاریکی به روشنایی، دعوت به آینده‌نگری	اشاره به تنش بین امید و ناامیدی، گاه صرفاً حضور حداقلی امید در دل تهدید	روزنه‌های نور
فضای امید (میدان دیووی بوستون)	نماد آزادی، افق باز، فضای	گاهی نشانه تضاد با فضای بسته (به شکل غیرقابل دسترس)	آسمان باز / آبی

نتیجه‌گیری

در آثار مهدی قدیانلو، عناصر بصری مختلفی حامل مفاهیم جامعه‌شناختی‌اند که در دو رویکرد «بازتاب» و «شکل‌دهی» معنا می‌یابند. در رویکرد بازتاب، کودک، کلاغ و فضاهای بسته نمادهایی از آسیب‌پذیری، تهدید و فشارهای اجتماعی هستند. این عناصر نشان‌دهنده تنگناها و ناهنجاری‌های جامعه‌اند. در مقابل، رویکرد شکل‌دهی با عناصری چون جمعیت در حرکت، بادکنک قرمز و آسمان آبی، به تصویرسازی آینده‌ای بهتر و امیدبخش می‌پردازد. روزنه‌های نور، میان این دو رویکرد حرکت می‌کند؛ گاه نماد حداقلی از امید و گاه نشانه‌ای از گذار و نجات است. قدیانلو با تلفیق این دو نگرش، بین واقع‌گرایی اجتماعی و آرمان‌گرایی بصری، نوعی روایت چندلایه از وضعیت انسان معاصر ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر با تمرکز بر آثار نقاشی‌دیواری مهدی قدیانلو، نشان داد که این آثار از منظر جامعه‌شناختی قابلیت تحلیل در چارچوب دو رویکرد «بازتاب» و «شکل‌دهی» را دارا هستند. در رویکرد بازتاب، هنرمند همچون مشاهده‌گری حساس و متأثر از شرایط اجتماعی، ناهنجاری‌ها، تهدیدها و بحران‌های اجتماعی را در قالب عناصری چون کودکان آسیب‌پذیر، کلاغ‌ها، فضاهای بسته و سقف‌های محدود به تصویر می‌کشد. این تصاویر به روشنی بر نارضایتی‌ها، بی‌پناهی، تهدید آینده و انسدادهای ساختاری موجود در جامعه تأکید دارند و هنرمند را در جایگاه دریافت‌کننده واقعیت‌های اجتماعی قرار می‌دهند. در نقطه مقابل، رویکرد شکل‌دهی، قدیانلو را به‌عنوان کنشگری خلاق و مداخله‌گر معرفی می‌کند که از طریق عناصری چون بادکنک قرمز، آسمان باز، روزنه‌های نور و حرکت جمعی به‌سوی روشنایی، مفاهیمی چون امید، رهایی، تغییر و آینده‌نگری را در آثار خود برجسته می‌سازد. در این رویکرد، هنرمند نه تنها منعکس‌کننده جامعه، بلکه سازنده نگرش و هدایت‌کننده ذهنیت مخاطبان در مسیر تغییر مثبت است. عنصر کودک نیز در این میان نقش محوری ایفا می‌کند و با کاربردی دوگانه، هم بازتاب وضعیت موجود و هم نماد امید برای آینده‌ای بهتر است. از آنجا که نقاشی دیواری رسانه‌ای عمومی و در معرض دید همگان است، قدیانلو با استفاده از این بستر، به شکلی مؤثر پیام‌های اجتماعی خود را به طیف گسترده‌ای از مخاطبان منتقل کرده است. هنر او تنها محدود به بازنمایی یا آرمان‌سازی نیست، بلکه میان این دو وضعیت، پیوندی پویا برقرار می‌سازد؛ پیوندی که هنرمند را در جایگاهی قرار می‌دهد که هم از جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم به آن جهت می‌دهد. آثار قدیانلو را می‌توان نمونه بارز هنری دانست که به‌واسطه تعامل فعال با جامعه، زمینه‌ساز پرسشگری، آگاهی‌بخشی و حتی تحول در نگرش مخاطبان

پی‌نوشت‌ها

۱. Shaping approach.

۲. Reflective approach.

۳. Trompe-l'oeil: یک روش هنری است که در آن از تصاویر واقع بینانه، توهم نوری را پدیدمی‌آورند تا اشیاء به صورت سه بعدی به تصویر کشیده شوند. هم‌تراز این روش در معماری ژرفانمایی تحمیلی است.

۴. Giorgio de Chirico

۵. Rene Magritte

۶. The Promise of Bewilderment

۷. برای دسترسی به متن اصلی این مقاله به لینک مقابل مراجعه کنید <https://drive.google.com/file/d/1LrQxMzQ5hYAGB4tO1G6FDBn9Rocfu7bE/view>

۸. در جامعه‌شناسی، شامل عادت‌ها، آمادگی‌ها، مهارت‌ها و تمایل‌های اجتماعی است. این روشی است که افراد از جهان اجتماعی اطراف خود درک می‌کنند و به آن واکنش نشان می‌دهند.

۹. Experiencing the sublime in Tehran

فهرست منابع

- ابراهیمی‌لامع، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی و شناخت رویکردهای نقاشی‌دیواری در شهر تهران (براساس یافته‌های میدانی در سال ۱۳۹۵) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ]. پایگاه اطلاعات ملی ایران گنج. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/06effc3a19a2a0ffbd6249be44fdf140>
- پسندیده، سمیه. (۱۳۹۴). دیوارنگاری هنرمندی ایرانی در بوستون و میشگان آمریکا [خبرگزاری اسپوتنیک]. <https://spnfa.ir/20161128/2022544.html>
- جبارزاده، فاطمه. (۱۳۹۷). تحلیل ساختاری و محتوایی آثار دیوارنگاری شهر تهران و مناسبات آن با تجربه زیسته شهروندان (مطالعه موردی نقاشی دیواری‌های آرمانگرایانه شهر تهران دهه ۸۰ هجری شمسی) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ]. پایگاه اطلاعات ملی ایران گنج. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/3b792d317e0ed0bd77cd9b0f1fcf8649>
- حسینی‌نیا، مریم. (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی نقاشی دیواری شهر تهران [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س)]. علم‌نت. <https://elmnet.ir/doc/10565617-7184>
- خسروی، داوود. (۱۳۹۳). بررسی نقاشی دیواری معاصر ایران (خیابانی) با رویکرد جامعه‌شناختی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان].
- راودراد، اعظم. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی اثر هنری. مجله پژوهشنامه فرهنگستان هنر، ۲، ۶۶-۹۱.

- Heinrich, N. (2021). *Sociologie de art* (A. H. Nikgahar, Trans.). Ageh Publication. (Original work published 2004)
- Karimi, P. (2017). *Experiencing the sublime in Tehran: The pains and pleasures of the overwhelming in the paintings of Mehdi Ghadyanloo. Howard Griffin Gallery Off-Site Project, London, UK*. Retrieved from <https://drive.google.com/file/d/1i3fHGqAjBggGYP92XtPZYQuLPMgNjXWI/view>
- Lavin, I. (2007). The Crisis of Art History (A. Bank, Trans.). *Golestan-e Honar*, 3(1), 37-43. <http://golestanehonar.ir/article-1-98-fa.html>
- London Calling Blog. (2015). *Mehdi Ghadyanloo's Perception exhibition at Howard Griffin Gallery* [Blog post]. <https://londoncallingblog.net/2015/03/05/mehdi-ghadyanloos-perception-exhibition-at-howard-griffin-gallery/>
- Revill, J. (2025, April 21). *Davos meeting founder Klaus Schwab steps down as World Economic Forum chair*. Reuters. [<https://www.reuters.com/business/davos-meeting-founder-klaus-schwab-steps-down-world-economic-forum-chair-2025-04-21/>] (<https://www.reuters.com/business/davos-meeting-founder-klaus-schwab-steps-down-world-economic-forum-chair-2025-04-21/>)
- Turkashvand, N. (2010). Art work And Reflective Approach In sociology Of Art. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 1(40), 25-32. <https://doi.org/10.22059/jfava.2009.68301>
- Wolff, J. (2015). *Aesthetics and the sociology of art* (L. Shabani, Trans.). Science Publications. (Original worl published 1993)
- Zangi, B., Ayatolahi, H., & Fahimifar, A. (2012). The Analysis of Social Position of Post Revolution Wall Painting Art in Iran (based on Pierre Bourdieu Sociology). *Negareh Journal*, 7(24), 85-101. https://negareh.shahed.ac.ir/article_91.html?lang=en
- زنگی، بهنام. (۱۳۹۲). *بررسی کارکرد های اجتماعی نقاشی دیواری در ایران* [رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس]. پایگاه اطلاعات ملی ایران <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/838b311a67340e4d3207a207a9a1f008>
- مطلبی، سمینه. (۱۳۹۳). *تأملی بر کارکردهای نقاشی دیواری تهران پس از انقلاب با رویکرد جامعه‌شناختی نظریه بازتاب*. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران]. پایگاه اطلاعات ملی ایران <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/e1e60b92ea05a65737276b44fc95263e>
- هزاویان، فاطمه. (۱۴۰۰). *مطالعه زیباشناسی و معناگرایی در نقاشی دیواری سطح شهر تهران (منطقه ۸)* [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس]. پایگاه اطلاعات ملی ایران <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/68ea198b086c3095f4ed361a625e87f5>
- Adams, L. S. (2013). *The methodologies of art: an introduction* (A. Masoumi, Trans.). Nazar Publications. (Original work published 1996)
- Alexander, V. D. (2021). *Sociology of the arts : exploring fine and popular forms* (A. Raudarad, Trans.). Publishing works of art "Text". (Original work published 1959)
- Bourdieu, P. (1990). *The logic of practice* (R. Nice, Trans.). Stanford University Press. https://monoskop.org/images/8/88/Bourdieu_Pierre_The_Logic_of_Practice_1990.pdf
- Butterfly Art News. (2015, February 27). London: Mehdi Ghadyanloo – Perception. [Blog post]. [<https://butterflyartnews.com/2015/02/27/london-mehdi-ghadyanloo-perception/>] (<https://butterflyartnews.com/2015/02/27/london-mehdi-ghadyanloo-perception/>)
- Duvingnaud, J. (2018). *The Sociology of art* (M. Sahabi, Trans.). Center Publication. (Original Work published 1921-2007)

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
امامی صاحبی، علی اکبر، حسینی، محمدرضا. (۱۴۰۴). تحلیل مضامین نقاشی‌های دیواری مهدی قدیانو با رویکرد جامعه‌شناختی (بازتاب و شکل‌دهی) مطالعه موردی: نقاشی‌های دیواری اجلاس داووس، میدان دیووی بوستون، شوریدیچ لندن. *باغ نظر*, ۲۲ (۱۴۷)، ۸۱-۹۰.

DOI: [10.22034/BAGH.2025.520584.5810](https://doi.org/10.22034/BAGH.2025.520584.5810)
URL: https://www.bagh-sj.com/article_225892.html

